

سال دوم هجرت

### یگانه بانوی اسلام ازدواج میکنند

تمایلات جنسی در هر فردی در زمان مخصوصی بروز میکند و گاهی بر اثر نبودن تربیت‌های صحیح و مساعد بودن محیط برای اعمال غرائز شهوی، جوان را بلب پرتگاه میکشاند و آنچه نباید بشود، ورخ‌نهدد میشود ورخ میدهد.

بهترین وسیله برای حفظ عفت عمومی ازدواج است؛ اسلام نیز بحکم فطرت زن و مرد را موظف فرموده که در شرایط مخصوصی ازدواج کنند و سخنانی در این باره بمنوانهای مختلف گفته که اینک برخی از آنها ذیلاً ترجمه میشود:

**خداوند در قرآن میفرماید:** زنان و مردان باهم ازدواج نمایند و ترس از فقر و

تهی‌دستی آنها را از این مراسم باز ندارد؛ خداوند آنان را بی‌نیاز میسازد (نور-۲۳)

**پیامبر اکرم (ص) فرموده:** کسی که میخواهد باروان پاک با خداوند روبرو شود باید ازدواج کند (کتاب من لایحضر صفحہ ۴۱۰)

نیز فرموده است «من روز رستاخیز بر سایر ملل با کثرت نسل مباحات میکنم».

### مشکلات ازدواج در عصر حاضر

مشکلات ازدواج یکی دو تا نیست، زنان و مردان امروز از بدی وضع و نامساعد بودن شرایط برای زناشوئی ناله میکنند، ستون خانواده در مطبوعات کشور مشکلات بیشماری را یادآور میشود ولی بیشتر سختیها در این میگردد که بیشتر جوانان و دختران محیط ما؛ درصد تشکیل خانواده‌ای که سعادت واقعی آنها را تضمین کند؛ نیستند. بعضی افراد میخواهند از طریق ازدواج یکی از پست‌های حساس اجتماع را اشغال نمایند؛ زرو یوری از این رهگذر بدست آورند، چیزی که امروز کمتر مورد توجه است؛ عفت و پاکدامنی است و اگر گاهی مورد نظر باشد بیشتر جنبه غیر ضروری دارد، بگواه اینکه بر سر دخترانی که شهرت خانوادگی و یافردي دارند، سرودست می‌شکنند در صورتی که ممکن است از جنبه‌های معنوی چندان قابل تعریف نباشند. چه بسا دختران با فضیلت و بامعنویت که در زوایای اجتماع با فقر کمر شکن پس

میرند و چندان مورد توجه قرار نمی گیرند .

بالتر از همه تشریفات عقد و عروسی است که داماد و پدر و مادر عروس را بستوه می آورد مشکل دیگر سنگینی مهریه است که روز بروز در کشور ما بطور سرسام آور بالا می رود تا آنجا که گروهی قید ازدواج رازدهاند و از راه لایحالیگری اشباع شهوات میکنند .

### پیامبر عمال با این مشکلات مبارزه کرد

اینها یک سلسله مشکلات اجتماعی است که در هر جامعه ای با نسبت محفوظی وجود داشته است ، و نمیتوان دوران رسول خدا را از این مشکلات استثناء نمود ، اشراف عرب دختران خود را به افرادی میدادند که از نظر قبیله و قدرت و زورور مثل آنها باشند. و در غیر این صورت دست در بسینه خواستگاران میزدند .

روی این عادت دیرینه اشراف و بزرگانی اصرار کردند با دختر گرامی پیامبر فاطمه (ع) ازدواج کنند آنان بتصور اینکه پیامبر در کار دختر خود سختگیری نخواهد نمود ؛ زیرا بگمان آنها آنچه باید توجه عروس و پدراور اجلب کند موجود بود و انگهی وی در ازدواج دختران دیگر خود مانند (رقیه و زینب و...) سختگیری ننمود .

ولی غافل از آنکه این دختر با آنها فرق دارد ، این دختر است که بموجب آیه مباحله (آل عمران - ۶۱) از نزدیکترین افراد به پیامبر شمرده شده است ، (جریان مباحله و اینکه پیامبر برای احقاق حق حاضر شد در بیرون مدینه با علمای نصاری مباحله نموده و همدیگر را نفرین کنند و در این واقعه جز علی و فاطمه و حسنین کس دیگری راهمراه خود نیاورد در حوادث سال دهم خواهد آمد) .

خواستگاران در این فکر دچار اشتباه شدند بودند دیگر نمیدانستند که کفو و هم شأن فاطمه باید کسی باشد که از نظر فضیلت و تقوی ، ایمان و اخلاص مانند او باشد ، هر گاه فاطمه بموجب آیه تطهیر ؛ معصوم از گناه شمرده شده وی نیز باید مثل او معصوم از گناه باشد .

دارائی و مظاهر مادی ملاک همشأنی نیست اسلام با اینکه میگوید دختران خود را به همشأن آنها بدهید ولی کفو و همشأن بودن را به ایمان و اسلام تفسیر میفرماید .

پیامبر از طرف خداوند مامور بود که در پاسخ خواستگاران بگوید ازدواج فاطمه باید بفرمان آسمانی صورت بگیرد ، او در این پوزش تا حدی پرده از چهره ی حقیقت برمیداشت اصحاب پیامبر فهمیدند که جریان ازدواج فاطمه سهل و ساده نیست و هر فردی هر چه هم شخصیت مادی داشته باشد ، نمیتواند با او ازدواج کند ، و شوهر فاطمه شخصیتی است که از نظر صدق و صفا و

ایمان و اخلاص؛ فضائل معنوی و سجایای اخلاقی باید پشت سر پیامبر باشد، و این اوصاف جز در شخصیتی مانند علی جمع نیست؛ برای امتحان علی را تشویق کردند که از دختر پیامبر خواستگاری کند؛ علی هم از صمیم قلب با این مطلب موافق بود فقط در پی فرصتی میگشت تا شرایط برای خواستگاری فراهم گردد.

امیر مؤمنان شخصاً شرفیاب محضر رسول خدا گردید، حجب و حیا، سراسر بدن او را فرا گرفته بود، سر بر زرافکنده و گوامیخواهد مطلبی را بگوید ولی شرم مانع از گفتن آن است؛ پیامبر اکرم او را وادار بسخن گفتن کرد؛ او با اداء چند جمله توانست مقصود خود را بفهماند این نوع خواستگاری نشانه‌ی اخلاص و صمیمیت است؛ هنوز مکتبهای تربیتی نتوانسته است چنین آزادی توأم با تقوی، و ایمان و اخلاص را به جوانان خواستگاره بخشد.

**خلاصه پیامبر (ص)** با تقاضای علی (ع) واقفت فرمود؛ ولی دارائی علی در آن روز جز یک شمشیر و زره چیز دیگری نبود علی مامور شد که زره خود را بفروشد و مقدمات و مخارج عروسی را فراهم آورد؛ او با کمال صمیمیت زره خود را فروخت و پول آن را خدمت رسول خدا آورد؛ پیامبر مشتی از آن را بدون آن که بشمارد به بلال داد، که مقداری برای زهرا؛ عطر بخرد و باقیمانده را در اختیار ابی بکر و عمار گذارد؛ تا از بازار مدینه برای داماد و عروس لوازم زندگی تهیه نمایند. آنان بدستور پیامبر برخاستند و اشیاء زیر را که در حقیقت جهیزیه زهرا بود، خریداری نمودند و به محضر پیامبر آوردند.

### صورت جهیزیه دختر پیامبر

- ۱- پیراهنی که بهفت درهم خریداری شده بود - ۲ روسری (مقنعه) که یک درهم قیمت آن بود
  - ۳- قطیفه‌ی مشکی که تمام بدن را کفایت نمیکرد - ۴ یک سریر عربی (تخت) که از چوب و لیف خرما میسازند - ۵ - دو تشک از کتان مصری که یکی بشمی و دیگری از لیف خرما بود،
  - ۶ - چهار بالش که دو تای آن از پشم و دو تای دیگر از لیف خرما بود، - ۷ پرده - ۸ حصیر هجری
  - ۹ - دست آس - ۱۰ مشکی از پوست - ۱۱ کاسه چوبی برای شیر - ۱۲ ظرف پوستی برای آب
  - ۱۳ - سیوی سبز رنگ - ۱۴ کوزه‌های متعدد - ۱۵ دو بازوبند نقره‌ای - ۱۶ یک ظرف مسی.
- وقتی چشم پیامبر با آنها افتاد فرمود: **اللهم بارک لقوم جل آئیتهم الخرف:**

خداوندا زندگی را بر آن کسانی که بیشتر ظروف آنها سفاک است مبارک گردان!

قابل دقت مهریه دختر پیامبر است؛ مهر او از مهر السنه که همان چهار صد درهم است تجاوز نکرد و سر مشقی برای دیگران؛ برای دختران و پسرانیکه از بار سنگین مهریه مینالند و گاهی قید ازدواج رامینند؛ قرار گرفت اساساً خانه زندگی زناشویی باید با صمیمیت و

مهرو وفا گرم و مطبوع گردد و گرنه مهریه های سنگین و جهیزیه های کمر شکن فروغی بزندگی نمیدهد.

اکنون اولیاء دختر برای تحکیم موقعیت و تثبیت وضع دختر خود داماد را زیر بار سنگین مهر قرار میدهند تا روزی بر اثر بوالهوسی دست بطلاق نزنند، در صورتیکه این عمل مسکنی بیش نیست؛ و درمان قطعی و علاج حقیقی آن اصلاح وضع اخلاقی جوانان است؛ محیط فرهنگ و اجتماع ما باید طوری باشد؛ که ریشه این افکار را در مغز جوانان ما پدید نیآورد؛ و گرنه گاهی کار بجائی میرسد که دختر حاضر میگردد؛ با بذل مهر خود؛ از خانه شوهر جان سلامت ببرد.

### مراسم عروسی

از طرف داماد و عروس گروهی دعوت شدند و علی بافتخار همسر گرامی خود و ولیمه ای ترتیب داد، پس از صرف غذا، رسول اکرم فاطمه را بحضور خود طلبید؛ فاطمه در حالیکه شرم و حیا سرا سر بدن او را فرا گرفته بود؛ شرفیاب محضر رسول خدا گردید؛ عرق حجب و خجالت در پیشانی او نقش بسته بود، هنگامیکه چشم او بر رسول خدا افتاد؛ پای او لغزید و نزدیک بود بزمین بخورد؛ پیامبر دست دختر گرامی خود را گرفت و در حق او دعاء فرمود و گفت:

**اِقَالِكِ اللّٰهَ الْعِشْرَةَ**، یعنی: خداوند تو را از تمام لغزشها مصون بدارد.

پیامبر عالیقدر اسلام در آن شب صمیمیت و اخلاصی نشان داد؛ که هنوز در اجتماعات کنونی ما با آن همه رشد و تکامل این مقدار صفا و رواج ندارد؛ از آن جمله دست دختر خود را گرفته در دست علی گذارد؛ فضائل علی را برای دختر خود بازگو کرد؛ و از شخصیت دختر خود و اینکه اگر علی آفریده نشده بود، همشانی برای او نبود، یاد آورد؛ و بعداً کارهای خانه و وظایف زندگی را تقسیم کرد، کارهای درون خانه را بر عهده فاطمه گذارد؛ و وظایف خارج از خانه را بر دوش علی نهاد؛.

آنوقت بنا بگفته بعضی زنان مهاجر و انصار را دستورداد؛ که دور نآقه دختر او را بگیرند و بخانه ی شوهر برسانند. و با این ترتیب جریان ازدواج با فضیلت ترین زنان جهان پایان پذیرفت.

و برای اداء حق مقام دختر پیامبر، حدیث زیر را از مسند احمد ج ۲ ص ۲۵۹ نقل مینمائیم

میگوید: انس بن مالک نقل کرد، که رسول خدا شش ماه تمام هنگام طلوع فجر از خانه بیرون میآمد و در سپار مسجد میگشت و مرتب در آن دم مقابل در خانه فاطمه میایستاد و میفرمود: **الصلاة يا اهل البيت انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت ويظهر لكم تطهيرا** یعنی اهل بیت من! بیاد نماز باشید خداوند از شما اهل بیت همه گونه پلیدی را دور کند.